

در حوالی میدان سرخ

آیا بحران اوکراین به صلح نزدیک می‌شود؟



احمدوخشیته

استاد دانشگاه دوستی ملل روسیه

یک روز پیش از آغاز نشست مذاکرات صلح در سوئیس که مطابق با فرمول صلح زلنسکی بدون دعوت از روسیه برگزار شد، ولادیمیر پوتین در سخنرانی خود در وزارت خارجه خطاب به سرگنی لاوروف شرایط مذاکره را اعلام کرد: (۱) نیروهای اوکراین باید به طور کامل از قلمرو مناطق دونتسک، لوگانسک، زاپاروژیا و خرسون (که در خواش روسیه به موجب همه‌پرسی در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ به خاک این کشور الحاق شده‌اند) خارج شوند. (۲) اوکراین باید متعهد شود به ناتو نمی‌پیوندد. (۳) اوکراین لازم است وضعیت بی‌طرفی و فاقد سلاح هسته‌ای داشته باشد.

اکنون پرسشی که مطرح می‌شود، این است که آیا پوتین شرایط محالی را برای به بن‌بست کشاندن صلح مطرح کرده یا هدفش این بوده که با این پیشنهادهات مذاکرات صلح در سوئیس را که بدون حضور روسیه برگزار می‌شود، تحت تأثیر قرار دهد یا اساسا ظرفیت‌هایی برای پذیرش چنین شرایطی وجود دارد؟

برای امکان‌سنجی صلح ابتدا لازم است به شرایط بحران توجه داشته باشیم؛ در یک سو با روسیه روبرو هستیم که پوتین انتخابات ریاست جمهوری را نیز با موفقیت پشت سر گذاشته است و نیروهای مسلح کشورش در مناطق خاریکف و اودسا نیز تلاش‌هایی برای پیش‌روی دارند؛ اگرچه در غرب منزوی شده است، اما روابط اقتصادی بسیار محکمی را در خاورمیانه، آفریقا، آمریکا لاتین و البته آسیای شرقی پیش می‌برد. در سوی دیگر زلنسکی قرار دارد که از ظرفیت حمایتی مالی-تسلیمحاتی چشمگیری ناتو برخوردار است و در ماه‌های اخیر کمتر شب و روزی سپری می‌شود که پهپادهای اوکراینی تلاش برای حملاتی در خاک روسیه نداشته باشند؛ درعین‌حال بخش چشمگیری از سرزمن‌های اوکراین را از دست داده است و انتخابات ریاست‌جمهوری را که باید در ابتدای بهار ۲۰۲۴ برگزار می‌شد، به بهانه شرایط جنگی برگزار نکرده است.

زلنسکی به‌خوبی درک می‌کند که فردای صلح باید به‌سرعت انتخابات ریاست‌جمهوری را برگزار کند و با توجه به اختلافات داخلی در اوکراین ازجمله میان او و شهردار کی‌یف و رئیس سابق ستاد کل نیروهای مسلح کشورش، مطابق نظرسنجی‌ها اکنون در رقابت با دیگر نامزدهای احتمالی کمترین اقبال را دارد. او در همین نظر در فرمول صلح زلنسکی، او در جست‌وجوی شرایطی است که وی قهرمان در جنگ تبدیل شود و معتقد است با اینکه در میدان جنگ نیروهایش شرایط نامساعدی دارند و روسیه در حال پیش‌روی در خارکیف و اودسا نیز هست، اما نه‌فقط خرسون، زاپاروژیا، دونتسک و لوگانسک بلکه کریمه نیز باید به اوکراین بازگردانده شود و روسیه به کی‌یف غرامت پرداخت کند و البته کشورش به عضویت ناتو و اتحادیه اروپا نیز درآید. اما این شرایط حتی با دیدگاه شرکای غربی زلنسکی نیز متفاوت است و خبرهایی از طرح مکرون مطرح شد که بر الحاق دونتسک و لوگانسک مانند کریمه به خاک روسیه پذیرش داشت و موضوع بازپس‌گیری خرسون و زاپاروژیا را مطرح می‌کرد.

نهایتا مذاکرات صلح در سوئیس بدون نتیجه به پایان رسید و اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، گفت باید روسیه در کنفرانس‌های آتی درباره صلح اوکراین دعوت شود و این موضوع برای کنفرانس بورگنستاک برنامه‌ریزی شده است. دراین‌میان کشورهایی نظیر عربستان سعودی، برزیل، هند، اسلواکی، آفریقای جنوبی، امارات و ارمنستان که بیانیه پایانی کنفرانس صلح در سوئیس مطابق فرمول زلنسکی را امضا نکردند نیز چشم‌گرم است که به گفته صدراعظم اتریش با متن بیانیه مشکل داشتند؛ اگرچه در سوی دیگر ترکیه، صربستان زاپاروژیا و همچنین بنادر در دریای آژوف می‌شود.

بدون شک مهم‌ترین ضرورت برای جداییت یک مذاکره این است که همه طرفین احساس کنند که دستاوردی خواهند داشت و مبتنی بر یک گفت‌وگوی برد-برد برای کسب منافع حداکتری چانه بزنند. دراین‌میان اگر زلنسکی را (به‌عنوان فردی که ریاست‌جمهوری‌اش تمام شده و در شرایط جنگ شانس باقی‌ماندن بر این مسند را دارد) فاکتور بگیریم، همه طرف‌ها یعنی روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و برایند غرب جمعی یعنی ناتو، فرصت تعریف فرمول‌های برد-برد و چانه‌زنی برای تحقق آن را دارند.

ناتو می‌تواند بگوید به واسطه بحران اوکراین موفق شده است موجودیت خود را احیا کند، آمریکا می‌تواند بگوید به واسطه بحران اوکراین موفق شد شکاف جدی میان روسیه و اروپا بیندازد و شرکای اروپایی واشنگتن نیز می‌توانند بگویند که موفق شدند به واسطه بحران اوکراین، روسیه را در یوروآتلانتیک منزوی کنند. درعین‌حال روسیه نیز موفق شد سرزمن‌های روس‌تبار در اوکراین را به قلمرو خود الحاق کند و اگرچه در یوروآتلانتیک منزوی شد، اما در خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین و آسیایک موازنه قدرت جدیدی رقم بزند و به‌عنوان یک قدرت فرمانطقه‌ای، نقش‌پذیری جدی را ایفا کند. طرح صلحی که اگر بایدن از آن مناعت‌ت کند، بدون شک مورد استقبال ترامپ در صورت پیروزی احتمالی در انتخابات قرار خواهد گرفت و حتما شاهد نقش عربستان و شخص بن‌سلمان به‌عنوان میانچی در فرمول صلح خواهیم بود.

نخست‌وزیر اسرائیل در اقدامی که انتظار آن می‌رفت، پس از خروج بنی گانتز از کابینه، تصمیم به انحلال کابینه جنگی شش‌نفره این رژیم گرفت. اکنون انتظار می‌رود بنیامین نتانیاھو درباره جنگ غزه با گروه کوچکی از وزرا از جمله یوآو کالانت، وزیر دفاع و ران درمر، وزیر امور راهبردی که در کابینه جنگ حضور داشتند، رایزنی و تصمیم‌گیری کند و در واقع مسئولیت تصمیمات اتخاذشده را به تنهایی بر دوش بکشد که می‌تواند باعث افزایش فشارهای داخلی و خارجی بر نتانیاھو باشد. بر اساس گزارش گاردین، نتانیاھو به وزرا گفته است با استعفاي گانتز در یک هفته پیش، دیگر نیازی به کابینه جنگ نیست. مقامات آگاه که نتواستند نامشان فاش شود، گفتند که نتانیاھو در آینده جلسات کوچک‌تری را بر برخی از اعضای کابینه خود برای موضوعات حساس برگزار خواهد کرد. گانتز، نتانیاھو و وزیر دفاع یوآو کالانت اعضای آن کابینه بودند و تصمیمات کلیدی را در طول جنگ غزه اتخاذ می‌کردند. نخست‌وزیر اسرائیل در روزهای گذشته با درخواست‌های شرکای افراط‌گرای مذهبی در ائتلافش ازجمله بزئال اسموئوتیچ، وزیر دارایی و ایتمار بن‌گوری، وزیر امنیت ملی، برای حضور در کابینه جنگ مواجه شد. به نظر می‌رسد نتانیاھو به دلیل نگرانی از اینکه پیوستن این چهره‌های تندرو تنش‌ها را با شرکای بین‌المللی اسرائیل از جمله ایالات متحده تشدید کند، تصمیم گرفت کابینه جنگ را منحل کند. کابینه جنگ اسرائیل در آغاز جنگ غزه و پس از حمله هفتم اکتبر حماس تشکیل شد و هدف آن تشکیل ائتلافی از گروه‌های مختلف برای پیروزی در این جنگ و مدیریت کارزارها علیه حماس و حزب‌الله لبنان بود. تشکیل یک کابینه جنگی محدود خواسته اصلی بنی گانتز، رئیس حزب وحدت ملی، برای پیوستن به ائتلاف بود. پس از پیوستن بنی گانتز منارهو به ائتلاف نتانیاھو در کابینه وحدت ملی، اعضای دیگری ازجمله گادی آیزنکوت، همفکر گانتز و آریه دری، رئیس حزب مذهبی شاس هم به عنوان ناظر در آن حضور داشتند.

گانتز و آیزنکوت هر دو هفته گذشته کابینه را ترک کردند، زیرا معتقد بودند نتانیاھو در تدوین راهبرد برای جنگ غزه و چشم‌انداز غزه پس از جنگ شکست خورده است. گانتز حدود یک ماه قبل ریاست‌جمهوری را برکنار کند و با توجه به اختلافات داخلی در اوکراین ازجمله میان او و شهردار کی‌یف و رئیس سابق ستاد کل نیروهای مسلح کشورش، مطابق نظرسنجی‌ها اکنون در رقابت با دیگر نامزدهای احتمالی کمترین اقبال را دارد. او در همین نظر در فرمول صلح زلنسکی، او در جست‌وجوی شرایطی است که وی قهرمان در جنگ تبدیل شود و معتقد است با اینکه در میدان جنگ نیروهایش شرایط نامساعدی دارند و روسیه در حال پیش‌روی در خارکیف و اودسا نیز هست، اما نه‌فقط خرسون، زاپاروژیا، دونتسک و لوگانسک بلکه کریمه نیز باید به اوکراین بازگردانده شود و روسیه به کی‌یف غرامت پرداخت کند و البته کشورش به عضویت ناتو و اتحادیه اروپا نیز درآید. اما این شرایط حتی با دیدگاه شرکای غربی زلنسکی نیز متفاوت است و خبرهایی از طرح مکرون مطرح شد که بر الحاق دونتسک و لوگانسک مانند کریمه به خاک روسیه پذیرش داشت و موضوع بازپس‌گیری خرسون و زاپاروژیا را مطرح می‌کرد.

نهایتا مذاکرات صلح در سوئیس بدون نتیجه به پایان رسید و اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، گفت باید روسیه در کنفرانس‌های آتی درباره صلح اوکراین دعوت شود و این موضوع برای کنفرانس بورگنستاک برنامه‌ریزی شده است. دراین‌میان کشورهایی نظیر عربستان سعودی، برزیل، هند، اسلواکی، آفریقای جنوبی، امارات و ارمنستان که بیانیه پایانی کنفرانس صلح در سوئیس مطابق فرمول زلنسکی را امضا نکردند نیز چشم‌گرم است که به گفته صدراعظم اتریش با متن بیانیه مشکل داشتند؛ اگرچه در سوی دیگر ترکیه، صربستان زاپاروژیا و همچنین بنادر در دریای آژوف می‌شود.

بدون شک مهم‌ترین ضرورت برای جداییت یک مذاکره این است که همه طرفین احساس کنند که دستاوردی خواهند داشت و مبتنی بر یک گفت‌وگوی برد-برد برای کسب منافع حداکتری چانه بزنند. دراین‌میان اگر زلنسکی را (به‌عنوان فردی که ریاست‌جمهوری‌اش تمام شده و در شرایط جنگ شانس باقی‌ماندن بر این مسند را دارد) فاکتور بگیریم، همه طرف‌ها یعنی روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و برایند غرب جمعی یعنی ناتو، فرصت تعریف فرمول‌های برد-برد و چانه‌زنی برای تحقق آن را دارند.

ناتو می‌تواند بگوید به واسطه بحران اوکراین موفق شده است موجودیت خود را احیا کند، آمریکا می‌تواند بگوید به واسطه بحران اوکراین موفق شد شکاف جدی میان روسیه و اروپا بیندازد و شرکای اروپایی واشنگتن نیز می‌توانند بگویند که موفق شدند به واسطه بحران اوکراین، روسیه را در یوروآتلانتیک منزوی کنند. درعین‌حال روسیه نیز موفق شد سرزمن‌های روس‌تبار در اوکراین را به قلمرو خود الحاق کند و اگرچه در یوروآتلانتیک منزوی شد، اما در خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین و آسیایک موازنه قدرت جدیدی رقم بزند و به‌عنوان یک قدرت فرمانطقه‌ای، نقش‌پذیری جدی را ایفا کند. طرح صلحی که اگر بایدن از آن مناعت‌ت کند، بدون شک مورد استقبال ترامپ در صورت پیروزی احتمالی در انتخابات قرار خواهد گرفت و حتما شاهد نقش عربستان و شخص بن‌سلمان به‌عنوان میانچی در فرمول صلح خواهیم بود.

کابینه جنگ اسرائیل در بحبوحه تنش بین نتانیاھو و فرماندهان ارشد نظامی منحل شد

شکاف در ائتلاف



شده بود، منهدم شده است». عملیات نظامی در مرکز نوار غزه نیز ادامه دارد. ارتش اسرائیل ادعا می‌کند که سربازانش چندین فرد مسلح را هدف قرار داده و ساختمان‌های مورد استفاده آنها را نیز در این منطقه را تخریب کرده‌اند. در همان روز، ارتش اسرائیل از «توقف تاکتیکی» حملاتش در جنوب نوار غزه خبر داد تا امکان ارسال مقدار بیشتری کمک‌های بشردوستانه به این منطقه فراهم شود. ارتش اسرائیل اعلام کرد که «وقفه تاکتیکی» در منطقه رفح از ساعت هشت صبح آغاز خواهد شد و تا ساعت هفت بعدازظهر به وقت محلی به قوت خود باقی خواهد ماند. این وقفه‌ها هر روز تا اطلاع ثانوی انجام می‌شود. این وقفه در نظر گرفته شده است تا به کامیون‌های کمک‌رسانی اجازه دهد به گذرگاه شالوم که نقطه ورودی اصلی کمک‌های بشردوستانه است، برسند تا تدارکات را به آوارگان برسانند. این تصمیم در هماهنگی با سازمان ملل متحد و سازمان‌های کمک‌رسانی بین‌المللی اتخاذ شده است. اما بنیامین نتانیاھو از این طرح انتقاد کرد. یکی از مقامات اسرائیلی که خواست نامش فاش نشود، گفت که نتانیاھو به صراحت گفته است این وقفه‌ها «برای او غیرقابل قبول» است. این مقام افزود که نتانیاھو تضمین‌هایی دریافت کرده است که «هیچ تغییری» در سیاست ارتش وجود ندارد و «باید در رفح طبق برنامه ادامه دارد». ایتمار بن‌گوری، وزیر امنیت ملی اسرائیل نیز اعلامیه ارتش را مسود انتقاد قرار داد و گفت هرکسی که این تصمیم را بگیرد باید شغفل خود را از دست بدهد. این اختلاف آخرین مورد در یک رشته درگیری بین اعضای ائتلاف نتانیاھو و ارتش بر سر نحوه برگزاری جنگ است که اکنون در نهمین ماه خود قرار دارد. جنگ غزه در حالی ادامه دارد که تلاش‌ها برای حصول توافق آتش‌بس همچنان به نتیجه نرسیده است. جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا، در پیامی به مناسبت عید قربان به مسلمانان، بار دیگر از

سیاست

انصاری‌لاری:

هر ایرانی برای آزادی و عدالت، قدیس شود ورأی بدهد



در بیان مسعود پزشکیان تصریح کرد: یعنی حکمرانی باید خردمدار باشد؛ اینکه به خردمندان، فززانگان و دانشمندان باید در همه زمینه‌ها مجال داده شود و این مسئله بسیار مهمی است. وی افزود: مقدمه واجب برگشت به خرد و عقل و کارشناس و بنیان‌های علمی و کارشناسی‌دادن به حکومت است. آن کسی که اول عارف عالم بود، هر زاهد کامل بود، وجود نازنین علی بن‌ابیطالب، وقتی به او دلیلی و به صورت نه بر حرص قدرت، آمد و کار حکومت را بر عهده گرفت، از عرش به فرش آمد و از قدسیت به زمین آمد و به تمشیت امور مردم پرداخت و جواپگوی مردم بود و خود را از نصیحت دیگران بی‌نیاز نمی‌دید.

استاندار فارس در دولت اصلاحات تصریح کرد: دکتر پزشکیان وقت ندارد که در این فرصت کوتاه بتواند همه مطالبش را به درستی تشریح و تبیین کند، اما وقتی اشاره می‌کند که باید برگردیم به تحول، برگردیم به خردمندی، یعنی همین؛ یعنی بدانیم که اگر برگردیم به خردمندی، تبعات چنین مثبت و بزرگ و دستاوردهای این چنینی برای ملت دارد. وی با بیان اینکه این خردمندی نیست که تمام کشور، مناصب، پست‌ها و موقعیت‌های حساس و سرنوشت کشور را در اختیار فارغ‌التحصیلان یک مؤسسه آموزشی خاص آن هم با زمینه تحصیل در معارف اسلامی بگذاریم، ادامه داد: وقتی خرد و عقل و علم جایگاه خودش را از دست بدهد، ناکارآمدی و بی‌خردی مثل یک بیماری واگیر به همه جا سرایت خواهد کرد. مدیرعامل سابق منطقه آزاد کیش معتقد است وقتی خرد مفقود شود، خیالات و اوهام جای آن را خواهد گرفت؛ یعنی وقتی خرد از بین رفت و بی‌خردی چیره شد، همه چیز وارونه می‌شود، همه چیز از گوهر خود دور می‌شود. این فعال سیاسی با اشاره به تاکید پزشکیان بر اجرای سیاست‌های کلی نظام در صورت پیروزی افزود: تصور کنید که اگر این برنامه‌ها توسط یک انسان صدیق،

گزارش

۳۰ میلیون دلار برای بایدن

هنرمندان حامی دموکرات‌ها ازجمله جورج کلونی، جولیا رابرتز و باربارا استرایسند و باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، با حضور در رویداد کمک‌های مالی لس‌آنجلس، ۳۰ میلیون دلار برای کارزار انتخاباتی جو بایدن جمع‌آوری کردند. در این برنامه، بایدن و اوباما با «جیمی کیمل» مجری برنامه «آخر شب» مصاحبه کردند. کیمل از آن دو درباره دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، پرسید که در نظرسنجی‌های اخیر در ایالت‌های چرخی پشتاز است.

کیمل سخنان خود را با ابراز حمایت از بایدن آغاز کرد و گفت: «خیلی از مسائل در این انتخابات در معرض خطر است». او از مسئله سقط جنین، مراقبت‌های بهداشتی و قوانین انتخاباتی به‌عنوان مهم‌ترین موضوعات سال ۲۰۲۴ یاد کرد.

بایدن در پاسخ به سوالات کیمل از رای‌دهندگان خواست به یاد بیاورند که وقتی ترامپ در کاخ سفید حضور داشت، اوضاع چگونه بود. بایدن یک بار دیگر از سیاست اقتصادی دولت خود دفاع کرد و گفت سیاست دولت او «تمریحش» است. بایدن گفت: «ما امروز قوی‌ترین اقتصاد جهان را داریم». نظرسنجی‌های اخیر نشان داده که اقتصاد و معیشت همچنان جزء مسائل کلیدی رای‌دهندگان هستند. نظرسنجی ماه مه این نیویورک‌تایمز، کالج سینا و فیلادلفیا اینکویئر نشان داد که بیش از ۵۰ درصد از رای‌دهندگان در پنج ایالت حساس، به‌رغم کاهش تورم و توقف روند افزایش نرخ بهره، برنامه اقتصادی دولت را ضعیف می‌دانند.

باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا نیز با استناد به قوانین مربوط به محیط زیست، زیرساخت‌ها و فناوری که در دوره رئیس‌جمهور فعلی به تصویب رسیده‌اند، به تمجید از برنامه‌های اقتصادی و سوابق بایدن پرداخت. اوباما همچنین به دیوان عالی کشور اشاره کرد و افزود اگر ترامپ دوباره رئیس‌جمهور شود، محافظه‌کاران می‌توانند برتری عددی شش به سه خود را افزایش دهند. چهل‌وچهارمین رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «خوشبختانه در‌مان را بلیدم، چراکه این انتخابات از جهات مختلف حائز اهمیت است».

بایدن گفت رئیس‌جمهور بعدی می‌تواند دو قاضی جدید را به دیوان عالی معرفی کند. او با اشاره به ترکیب دیوان عالی به‌عنوان «یکی از ترسناک‌ترین بخش‌های» پیروزی احتمالی ترامپ گفت: «دیوان عالی هرگز این‌قدر وفل و صلح ناچور نبوده است». بایدن از نشست گروه هفت در جنوب ایتالیا بازگشته بود تا در این رویداد شرکت کند.

۳۰ میلیون دلاری که در این رویداد جمع‌آوری شد، رکورد ۲۶ میلیون دلاری رویداد ماه مارس را شکست؛ رویدادی که با حضور رؤسای جمهور اسبق آمریکا، اوباما و بیل کلینتون، در مئنتن برگزار شده بود. ترامپ نیز هفت هفته گذشته در کالیفرنزیای تماما دموکرات به جمع‌آوری کمک‌های مالی پرداخت و توانست ۱۲.۵ میلیون دلار در سفرانسانیسکو و ۲۱.۵ میلیون دلار در سه رویداد دیگر جمع‌آوری کند و مبلغ کل کمک‌های دریافتی خود را به ۳۳.۵ میلیون دلار برساند. کارزار انتخاباتی بایدن نسبت به سلف خود نقدینگی بیشتری جذب کرده است. بر اساس اسناد کمیسیون فدرال انتخابات، ستاد انتخاباتی بایدن در ماه آوریل حدود ۸۴.۵ میلیون دلار پول نقد جمع‌آوری کرد، اما کارزار ترامپ فقط توانست ۴۹ میلیون دلار جمع‌آوری کند.

آستار کمیسیون فدرال انتخابات برای ماه می هنوز منتشر نشده است، اما کارزار انتخاباتی ترامپ و کمیته ملی جمهوریخواهان گزارش دادند که ماه گذشته ۱۴۱ میلیون دلار جمع‌آوری کرده‌اند. گفته می‌شود بیش از یک‌سوم این مبلغ طی ۲۴ ساعت پس از محکومیت چهل‌وینجمین رئیس‌جمهور آمریکا در دادگاه نیویورک تأمین شده است.